

نیستند و این شناسایی به یافتن راه حل‌های سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی برای مقابله با این مصائب کمک می‌کند.

در درجه اول به نظر می‌رسد این راه حل‌ها، برای مثال در بعد حقوقی‌شان از آنجا که «مشترک» و تقریباً «جهانی» هستند، خود موجب تقویت «جهانی شدن حقوق» می‌شوند.

در درجه دوم باید گفت حضور رسانه‌های مستقل برای نشان دادن بحران‌ها و فجاج بشری مانند آنچه در غزه، گوانتانامو، ابوغریب و... گذشته، می‌گذرد و خواهد گذشت، نیازمند حمایت‌های حقوقی خاص است.

برای مثال در جریان منازعات مسلحانه با استفاده از نشان‌های خبری یا مجوزهای خاص (مطابق کنوانسیون‌های حقوق جنگ ۱۹۴۹ ژنو) خبرنگاران از حمایت «حقوق بشر دوستانه» بهره‌مند می‌شوند. حمایت حقوقی از خبرنگاران در بحران‌های جهانی برای انجام وظیفه می‌تواند موضوع به‌ویژه آنکه برخی نهادهای غیردولتی مانند «خبرنگاران بدون مرز» تلاش می‌کنند این حمایت‌ها حتی در فقدان قواعد حقوقی داخلی یا بین‌المللی نیز انجام شود.

۲- کشف و فهم ارزش‌های مشترک بشری: ارزش‌ها و هنجارهای مشترک و فراسرزمینی میان انسان‌ها یکی از مبانی «جهانی شدن» است. رسانه‌ها نیز در این خصوص نقش ویژه‌ای دارند، چرا که در دنیای رسانه‌های متعدد، متکثر و متنوع، امکان مطالعه و پیمایش ارزش‌ها و هنجارهای مشترک اجتماعی (عرفی) تسهیل شده و نیازی به سال‌ها سفر و تحقیق نیست.

این پیمایش نیز در درجه اول می‌تواند به شناخت قواعد حقوقی مشترک و توسعه «حقوق جهانی» کمک کند و در درجه دوم می‌تواند به شناسایی قواعد اخلاق حرفه‌ای ارتباطات بینجامد.

شاید بتوان گفت بخش عمده اخلاق حرفه‌ای را از یک‌سوی رویه‌ها و عرف‌های ایجاد شده توسط صاحبان حرفه (رسانه) و از سوی دیگر انتظارات و توقعات مشتریان حرفه (مخاطبان) می‌سازند.

تضمین حقوقی رعایت قواعد اخلاق حرفه‌ای در حقوق ارتباطات نیز با کشف ارزش‌های مشترک بشری به‌ویژه از طریق گردهمایی فعالان رسانه‌ای در نهادهای صنفی - حرفه‌ای و ارتباط و تبادل اطلاعات میان آنها امکان‌پذیر است. این کشف و فهم مشترک ارزش‌ها و هنجارها به تقویت حقوق جهانی به‌طور عام و حقوق جهانی ارتباطات به‌طور خاص می‌انجامد. این مسأله که آیا تضمین حقوقی رعایت قواعد اخلاق حرفه‌ای ضروری است یا نه، بحثی دیگر است (مسأله ضرورت حمایت حقوقی از اخلاق)، اما به نظر می‌رسد نظام‌های حقوقی تمایل دارند تا قلمرو این حوزه اخلاق عرفی گسترش یابد، چنانکه قواعد اخلاقی مربوط در مباحث حقوقی صنفی مانند حقوق پزشکی، قوانین و کالت و قضاوت دادگستری جایگاه خاصی پیدا کرده و نقض آنها به مثابه تخلف انضباطی و گاه به‌عنوان جرم کیفری قابل پیگرد است. علاوه بر کشف قواعد اخلاق حرفه‌ای می‌توان به مسأله ارزش‌های اجتماعی در روابط انسانی اشاره کرد. برای مثال، چاپ کاریکاتورهای موهن نسبت به پیامبر گرامی اسلام (ص) در برخی کشورهای اروپایی به‌عنوان یک پیشامد، این پرسش جدی حقوقی را ایجاد کرده است که چه ارتباطی میان آزادی بیان و احترام به ادیان و مقدسات دینی وجود دارد؟ ناکافی بودن نظام حقوقی موجود در پاسخ مناسب به این پرسش، موجب تلاش‌هایی برای تدوین قواعد حقوقی - حداقلی در چارچوب قطعنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی - شده است.

ب- مبانی نظام حقوقی موجود کنونی (Current Laws)

نظام حقوق جهانی موجود بی‌توجه و خالی از قواعد مربوط به ارتباطات نیست. ذیلاً مواردی از نظام حقوقی موجود که بستر حقوق جهانی ارتباطات را ایجاد کرده است، معرفی می‌شود:

۱- حقوق بین‌الملل ارتباطات: باید اعتراف کرد که حقوق بین‌الملل به‌عنوان منبع عمده «حقوق جهانی» در این زمینه توسعه چندانی نیافته و بیشتر اسناد حقوقی بین‌المللی مربوط به ارتباطات در زمینه تأسیس سازمان‌های بین‌المللی و

اتحادیه‌های مربوط به تنظیم امور ارتباطات هستند (مانند کنوانسیون ارتباطات بین‌المللی از راه دور ۱۹۷۵) و کمتر به قواعد حقوقی حاکم بر فعالیت‌های رسانه‌ای پرداخته‌اند. مثلاً در کنوانسیون ۱۹۷۵ به موضوعاتی نظیر توقف ارتباطات از راه دور به دلیل مسائل امنیتی ماده «۲۰»، «۱۹»، «تعلیق سرویس ماده «۲۰»، مسوولیت مدنی ماده «۲۱»، «۲۱»، «۲۱» و «۲۲» و... اشاره شده است. پذیرش این قواعد توسط دولت‌ها با تصویب معاهدات و تنظیم قوانین داخلی براساس آنها به جهانی شدن حقوق ارتباطات می‌انجامد. (از بین‌المللی شدن به جهانی شدن)

۲- نظام جهانی حقوق بشر Universal Human Rights Law

مبانی حقوق ارتباطات تقریباً در سه نسل حقوق بشر قابل ردیابی هستند. آشکارترین مبانی حقوق بشری حقوق ارتباطات در زمره نسل اول حقوق بشر و



قواعد حقوق مدنی و سیاسی ظاهر شده‌اند. حق آزادی بیان و آزادی ابراز عقاید، منع تبلیغ جنگ و تنفر و تبعیض نژادی که در مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۸، ۱۹ و ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطرح شده و نیز منع تحریک علنی برای ارتکاب نسل‌زدایی (ماده ۳ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌زدایی Genocide) و اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (از این دست هستند. این قواعد هنوز میان دولت‌های ناقص حقوق بشر و رسانه‌های مستقل، محل مناقشه‌اند. در میان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز می‌توان به حق بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی و شرکت در زندگی فرهنگی و حمایت از حقوق مالکیت فکری مصرح در ماده «۲۷» اعلامیه جهانی و ماده «۱۵» میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد.

در میان نسل سوم حقوق بشر (حقوق همبستگی) که بیشتر مبتنی بر «قواعد غیر الزام‌آور» (Soft Law) مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و فعالان حقوق بشر است، شاید نتوان مستقیماً به قواعد حقوقی ارتباطی اشاره کرد اما بدون تردید دستیابی به صلح، محیط زیست سالم و توسعه پایدار بدون اهتمام به آگاهی‌بخشی عمومی غیر قابل تصور است. برای مثال چگونه می‌توان در بی‌خبری زیست اما خطرات تازه و مهلک محیط زیست را مهار و دفع کرد؟ همچنین می‌توان گفت دولت‌ها باید از ترویج جنگ و خشونت خودداری کرده و صلح را ترویج کنند. چنانکه «کنوانسیون بین‌المللی استفاده از رادیو به منظور صلح» در سال ۱۹۳۶ به منظور متعهد کردن دولت‌ها به نظارت بر صلح آمیز بودن برنامه‌های رادیویی در قلمروشان تدوین شد و البته این کنوانسیون خودش هرگز جهانی نشد و کمتر از ۳۰ کشور به آن پیوسته‌اند و به‌روزرسانی آن و تنظیم معاهده‌ای جدید با همین منظور و در گستره وسیع‌تر (با توجه به تنوع رسانه‌ها در دوره کنونی) ضروری است.

۳- اصول حقوقی مشترک ملل متقدم: این اصول که در ره‌یافتی «تطبیق گرایانه»

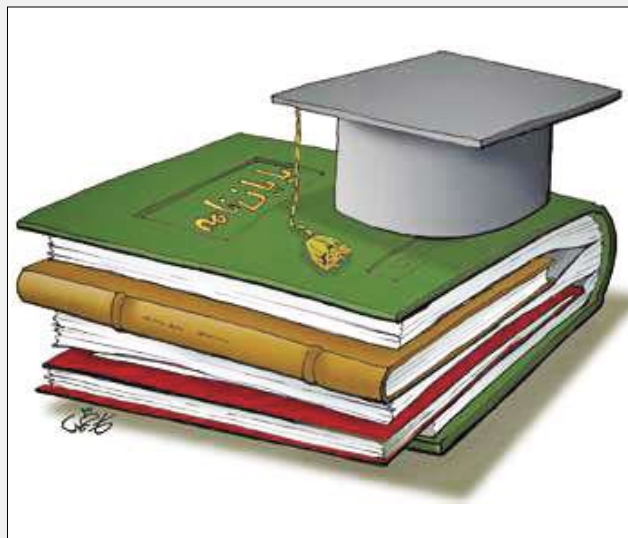
حاصل می‌شوند و خود از منابع «حقوق بین‌الملل» (به‌عنوان حقوق حاکم بر روابط بین‌المللی دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و گاه در روابط بین‌المللی اشخاص خصوصی) نیز هستند در کشف ضرورت تأسیس هیات منصفه برای جرائم مطبوعاتی و علنی بودن رسیدگی به این جرائم به‌طور خاص در حوزه حقوق کیفری ارتباطات می‌تواند از زمره اصول حقوقی مشترک ملل متقدم باشد.

حقوق جهانی ارتباطات برکنار از این قواعد پیش‌آمده نیست و می‌توان این قواعد را «حداقل حقوق جهانی ارتباطات» (Minimum of Global Law of Communications) یا «حقوق جهانی ارتباطات کنونی» (Current Global Law of Communications) دانست که یقیناً در تعامل بیشتر نظام‌های حقوقی ملی، با ترویج قواعد جهانشمول حقوق بشر و توسعه نظام «حقوق بین‌الملل ارتباطات» از طریق معاهدات بین‌المللی (نظیر همان کنوانسیون ۱۹۳۶ و چند کنوانسیون اروپایی) بیشتر توسعه خواهد یافت.

نتیجه: تنها گریزی از «جهانی شدن حقوق» در بسیاری از عرصه‌های حقوقی نیست و نظام‌های حقوق داخلی که از این فرآیند جدا مانده‌اند، خواه ناخواه در مسیر تحولات خود از این فرآیند تأثیر خواهند پذیرفت، بلکه «حقوق ارتباطات» نیز از این فرآیند جدا نیست؛ به‌ویژه آنکه ماهیت «ارتباطات» و فعالیت‌های رسانه‌ای بخش مهمی از جهانی شدن حقوق را نیز تشکیل می‌دهد که اگر جهانی شدن حقوق بر پایه «قانون مشترک برای مسائل و مشکلات مشترک» بنا شده باشد؛ رسانه‌ها نقش مهمی در شناسایی «مسائل و مشکلات مشترک» و انتقال ارزش‌ها و هنجارها ایفا می‌کنند. در این مسیر، قواعد حقوقی - و چه بسا اخلاقی - حاکم بر فعالیت‌های رسانه‌ای نیز خود تحت تأثیر این فرآیند قرار می‌گیرد. امروز و پیش از هر گفت‌وگویی، نظام حقوق بین‌الملل نیز قواعد جهانشمولی را برای فعالیت‌های رسانه‌ای تضمین کرده است؛ آزادی مطبوعات و حق آزادی بیان!

منبع: اندیشکده روابط بین‌الملل

بررسی علل و شرایط آموزش الهی از دیدگاه قرآن کریم



همچنین موانع مغفرت از ابعاد اعتقادی، اخلاقی و رفتاری بررسی و بیان شده است. این موانع اعم از اعتقادی، اخلاقی و رفتاری عبارتند از شرک، کفر، نفاق، ظلم، استکبار و... که این امور مانع آموزش انسان است.

در ادامه جایگاه و اهمیت آموزش خواهی بررسی و بیان شده از آنجا که انسان همواره در معرض گناهان و وسوسه شیطانی قرار دارد و گاه در اثر غفلت ممکن است آلوده به گناه شود بنابراین باید بی‌درنگ خود را با طلب آموزش در معرض رحمت بیکران الهی قرار دهد و روح آلوده به گناه خویش را پاک کند تا از آثار سوء و زشت گناه در امان بماند و به مجازات و عقوبت‌های الهی دچار نشود. چون طلب آموزش موجب می‌شود استعجال در عذاب نسبت به شخص یا گروهی انجام نشود. گفته شده استغفار محدود به زمان و مکان خاصی نیست. منتها استغفار در شب، سحرگاهان، ماه‌های رجب و رمضان و... صحرای عرفات و منا، مسجد الحرام و مسجد النبی و... بیشتر تأکید شده است. در پایان به نتایج تحقیق و پیشنهادها می‌پردازیم.

* کارشناس ارشد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی

روح‌الله صمدی*

بررسی آموزش الهی از دیدگاه قرآن کریم موضوع این تحقیق بوده و با توجه به ماهیت تحقیق روش توصیفی - تحلیلی و فن کتابخانه‌ای برای آن انتخاب و بیان شده که مغفرت همان ستر و پوشاندن گناه بوده و از صفات فعل خداوند است.

ابتدا به علل و شرایط آموزش در قرآن پرداخته و به راه‌های رسیدن به مغفرت که بعضی از آنها عواملی از ناحیه خداوند و بعضی عواملی از ناحیه بنده است، اشاره شده که می‌توان به ولایت، ربوبیت، رحمت، حکمت و... اشاره کرد. از صفات و اوصاف خداوند ایمان، تقوا، توبه، انفاق و... می‌باشد که از صفات بنده برای دستیابی به مغفرت است.

در این نوشتار صفات بنده از ابعاد اعتقادی، اخلاقی و رفتاری مورد بررسی قرار گرفته است و بعد از آن نتایج آموزش از دو بعد دنیوی و اخروی بررسی شده که داشتن امنیت، ریش باران، افزایش روزی و... از آثار مادی و قطع شریان شیطان، استجاب دعا و... از آثار معنوی دنیوی و ورود به بهشت و راهی از جهنم و... از آثار اخروی آموزش است.